یادداشت

پاسخگویی در دولت خاتمی

زهرا ابراهیمی

لازمه حکومت داری نوین و مقابله با هرنوع فساد، توجه ویژه و خاص به امر اطلاع رسانی و فراهم کردن زمینه آزادی بیان و اقناع افکارعمومی است، دولت خاتمی که روزهای پایانی عمر خود را سپری می کند تلاش کرد تا به لوازم و ابزار حکومت داری نوین و سالم مجهز شود.

هشت سال حضور خاتمی در دولت و همپیمانان او درمجلس ششم، دوران بهار کار خبری و رونق مطبوعات بود، اگر بسیاری از روزنامه ها دراین دوران بسته شدند و روزنامه نگاران زیادی شغل خود را از دست داده و یا بافشارهای سیاسی و قضایی روبه رو شدند اما همان تعداد روزنامه ها و روزنامه نگاران باقیمانده در صحنه، طراوت و تازگی اخبار، گزارش ها و تحلیل های روز را حفظ کردند.

یکی ازدلایل زنده بودن اطلاع رسانی نوشتاری دراین هشت سال، حضور دولت خاتمی در صف مقدم نقدنویسی و حفظ آزادیهای مطبوعات بود. خبرنگاران حوزه دولت هیچگاه احساس نکردند که وقتی برای کار خبری به این حوزه آن نیست که خبرنگاران حوزه دولت اصلا خودسانسوری نکرده و قطعاً بسیاری از سؤالات خود را مطرح کرده اند، خیر، خبرنگاران که در کنار شخص خاتمی به عنوان رئیس جمهور و همه اعضای کابینه او احساس مصونیت کرده و به خود اجازه می دادند بسیاری از سؤالات را بپرسند اما این احساس مصونیت، مطلق نبود زیرا اگر خاتمی و دولتش حرفی برای طرح سؤالات نداشتند حوزه های دیگر حاضر نبودند مصونیت خبرنگاران را به رسمیت بشناسند.

دولت خاتمی از منظر نگاه خبرنگاری من دارای چند ویژگی مثبت ومنفی بود، مهمترین ویژگی های مثبت این دولت را تحمل، مدارا و نقدپذیری آن می دانم. این ویژگیها باعث شد که درطی هشت سال ارتباط نزدیک خبرنگاران با رئیس جمهور و اعضای کابینه رابطه ای بسیار صمیمی و دلسوزانه بین آنها حاکم شود، حاکم بودن صمیمیت بر روابط خبرنگاران و رئیس جمهور باعث می شد که خبرنگاران هیچگاه احساس فاصله بین خود و حاکمان نکنند و به قول معروف مجبور نباشند دائماً دست و پای سؤالاتشان را جمع و جور کنند.

خاتمی پاسخگوترین دولت نظام جمهوری اسلامی را بنیان گذاشت. او که از مردم بود و با رأی آنها به مسؤولیت رسیده بود درطی ۸ سال حضورش در دولت فراموش نکرد که باید گزارش عملکردش را به مردم بدهد.

اما دولت خاتمی در همه زمینه ها ازجمله اطلاع رسانی مظلوم بود. دولت خاتمی زمینه ساز تحول کار مطبوعاتی و اطلاع رسانی بود اما از همراهی مهمترین دستگاه اطلاع رسانی کشور محروم بود. به همین دلیل صدای (مظلومیت) او را عمدتاً مردم شهرها و روزنامه خوانها شنیدند و نه مردم روستاها و شهرهای کوچک و محروم که آشنایی و دسترسی زیادی به نشریات و مطبوعات نداشتند.

خاتمی علاوه بر تعیین یک سخنگو برای دولت خود، برنامه ای هم برای خود، وزیران و معاونانش ترتیب داد تا آنها هم سهم خود را در پاسخگویی عملکردشان داشته باشند.

خاتمی سخنگویی برای دولتش گذاشت که ویژگیهای بارز یک سخنگوی موفق را درخودداشت. اما همیشه ناچار بود به خاطر یک هفته اطلاع رسانی عملکرد دولت آن هم برای تعداد محدود مطبوعات با تیراژ حداقلی، هفته ها سکوت کند تا فشارهای ناشی از سخنگویی اش را کاهش دهد.

این سکوت در ماههای پایانی دوره خاتمی آنقدر به درازا کشیده شد که بعید است که دیگر سخنگوی دولت فرصت سخنگویی پیدا کند.

خاتمی در سال پایانی کار خود درجمع دانشجویان با شدیدترین و حتی توهین آمیزترین کلمات، عبارات و حرکات مواجه شد ولی صبر از کف نداد و اجازه داد تا جوانان پرشور دانشگاهها هرچه دل تنگشان می خواهد بگویند و تابوی موقعیت و مقام ریاست جمهوری شکسته شود و دراین تابو شکستن او مظلوم وار شکسته شد.

و اما نقطه منفی عملکرد خاتمی را درعدم اعتماد او به مردم می بینم، اصلاح طلبانی که با انتخابات ریاست جمهوری نهم و پس از پایان کار دولت خاتمی کلاً از صحنه مسؤولیت و حاکمیت خارج می شوند نیز بر عدم تکیه خاتمی به مردم در زمانی که شور و اشتیاق زیادی برای همراهی با دولتش داشتند گلایه دارند. البته شاید برای سیدمحمدخاتمی پذیرش نقد عدم اعتماد به مردم سنگین و غیرقابل قبول باشد. اما شاید هم بتوان به جای کلمات «اعتمادبه مردم»، کلمات دیگری جایگزین کرد تا بتوان به آنچه که در ذهن خاتمی برای ازدست دادن تدریجی پشتوانه مردمی اش وجوددارد نزدیک شد، خاتمی در مورد مردم قیم مآبانه فکر کرد.

به عبارت دیگر با وجود عطش و اشتیاق مردم به حمایت از رئیس جمهوری که برگزیده بودند، او ترجیح داد که حامی مردم و سپر بلای آنها باشد و لذا همه جا به جای مردم تصمیم گرفت و اجرا کرد.

خاتمی خود را فدا کرد تا جامعه قهرمان شود

محمد علی ابطحی*

محمد علی ابطحی از سال ۶۷ در سمت معاونت امور بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همراه خاتمی بود و با کاندیدا شدن خاتمی همراهی اش را در ستاد انتخاباتی با او حفظ کرد؛ بعد از پیروزی به عنوان رئیس دفتر رئیس جمهور انتخاب شد و «سخت ترین سال های خاتمی» را با او گذراند و این همراهی برایش «سخت آموزنده» بود، پس از انتخاب دور دوم، معاون حقوقی و پارلمانی رئیس جمهور شد. پس از انتخابات مجلس هفتم و بعد از سه بار استعفا بالاخره، استعفایش مورد قبول رئیس جمهور قرار گرفت و اینک در روزهای پایانی دوره ۸ ساله ریاست جمهوری خاتمی، وی را به عنوان یک مشاور همراهی می کند؛ با «دفتری از خاطرات» که به گفته خود مکتوبی از کوله بار «جفاها»، «تحمل ها» است و در می هایی از آموزگار بزرگ ادب و شکیبایی که این آموزگار را در ایران و جهان ماندگار کرده است.

*** اعتقاد مبنایی و فلسفی به حرمت انسان ها**

خاتمی اعتقاد مبنایی و فلسفی به حرمت انسان دارد. احترام و اعتقاد درونی به حقوق فردی و اجتماعی انسان ها و نه بخاطر رعایت پروتکل کاری، از خصوصیات خاتمی است. اگر بخواهیم سابقه این اعتقاد عمیق را بررسی کنیم، خواهیم دید که آقای خاتمی مطالعه عمیق کتب مرجع درباره مسائل انسانی را به صورت پیوسته دنبال می کرد و این پشتوانه تئوری بخش عملی سال هایی شد که در وزارت ارشاد مشغول به کار بود و به همین دلیل باور همه جانبه فکری و عملی برای ارتباط پیدا کردن با بخش انسانی مردم پیدا کرده بود. پس از آن هم چندین سال وزیر ارشاد بود و مدیریت اجرایی حوزه فرهنگ و هنر که بسیار لطیف است و به همه چیز نگاه انسانی دارد موجب شد که ریشه های چنین اعتقادی در ایشان تقویت شود، بعد از استعفا هم با تدریس در دانشگاه به این روند تداوم داد. حساسیت های انسانی در حاکمان معمولاً تابعی از مصالح نظامی است که در مصدر آن قرار می گیرند؛ اما به دلیل اینکه حرمت انسانی برای آقای خاتمی به صورت باور درونی درآمده بود و به حقوق انسان ها و رعایت جنبه انسانی آنها اعتقاد داشت با اتکاباه این مبنای فکری و پشتوانه اجرایی، مصالح نظام و مبانی حکومت را در تحقق خواسته های انسانی جامعه ایرانی می دید. درحالی که در حاکمان توجه به پروتکل حکومتی به جای رعایت جنبه های انسانی وجود دارد، آقای خاتمی باور اجرایی و ذهنی به این موضوع داشت. از سوی دیگر اعتباری که خاتمی برای ایران به عنوان رئیس جمهور در جامعه جهانی ایجاد کرد بسیار مهم بود. البته جامعه جهانی فقط حکومت ها نیستند؛ کمتر رهبری است که چنین کاریزمایی در جهان پیدا می کند. ایجاد نوعی احترام برای رئیس جمهور ایران در بین مردم و روشنفکران دنیا موضوع مهمی است. البته رؤسای دولت هایی ممکن است که به لحاظ موضوعات مختلف و یا حتی جنجالی بودن مورد توجه قرار گیرند، اما کسی رئیس جمهور ایران را به عنوان فردی صاحب اندیشه و ایده نمی شناخت. در حالی که در زمان آقای خاتمی چنین اتفاقی افتاد. درست است که صدای آقای خاتمی زمانی به دنیا رسید که رئیس جمهور شد اما صدایی پذیرفته و مطلوب بود. آن هم در دوران بحرانی بعد از یازده سپتامبر که وحشت بین المللی از مسلمانان بوجود آورده شد. آقای خاتمی با ادبیاتی با دنیا حرف زد که در ذهن روشنفکران و اهل فرهنگ ادبیات آشنا بود و صاحب اندیشه ای بود که احساس می کردند ایشان مکتبی دارد و افتخارش به ملت ایران باز می گردد. دراین راستا طرح ایده گفت وگوی تمدن ها نقطه آغازی برای مورد توجه قرار گرفتن خاتمی از سوی جامعه جهانی بود. شروع ماجرا با اعلام رسمی گفت وگوی تمدن ها و جدی گرفته شدن و پذیرفته شدن به صورت یک ایده و تفکر بود که این موضوع با یک طرح مقطعی که متلاًّ برای صلح بین دو کشور عنوان می شود متفاوت است.

*** جفاهایی که به خاتمی شد**

شعار و برنامه آقای خاتمی توسعه سیاسی بود اما برخوردهای جفاکارانه به خصوص از سوی بخشی از حاکمیت که روش خاتمی را نمی پسندیدند و تسلیم رأی مردم در دوم خرداد نشدند در مقابل این برنامه صورت گرفت که باید بررسی شود. جفاهای زیادی به او شد؛ برای مثال راهپیمایی علیه مصاحبه اش با CNN و یا علیه سخنرانی او در دانشگاه که چرا در ۲۵ محرم دانشجویان برای خاتمی سوت و کف زدند؛ در حالیکه در قبال توهین هایی که در سراسر دنیا به مقدسات می شود کمتر تظاهراتی به صورت خودجوش در کشور ما انجام شده ولی در بسیاری از نقاط دنیا غیرت دینی همیشه موجب چنین تظاهرات خودجوشی شده است. اگر آماری از احضارها، محاکمه ها و دستگیر شدگان بعد از دوم خرداد ۷۶ تهیه شود، خواهیم دید که اکثر چهره های سیاسی، دانشگاهی و روحانی که در پدید آوردن دوم خرداد نقش داشتند جزء آنان بودند و در واقع در مقابل هر چیزی که به شعار توسعه سیاسی برمی گشت گارد جدی گرفته شد. مردم در دوم خرداد ۷۶ بسیار زحمت کشیدند، اما بخش قدرتمند حکومت و گروه های تحت حمایت جفاهای تاریخی علیه خاتمی انجام دادند که اگر در تاریخ کسی این ها را بررسی و لیست کند تعجب می کند که چرا آقای خاتمی حتی از لحاظ فیزیکی اتفاقی برایش نیفتاده است.

این جفاها در شهرستانها بیشتر بوده است و نمی توان پذیرفت که در این حوزه ها چنین جفاهایی انجام شود. ملت ایران از چنین مکانیزم هایی نگران هستند که کسانی قبل از دوم خرداد ۷۶ قدرت زیادی داشتند و از همه قدرت به صورت مشروع و نامشروع برای نیامدن آقای خاتمی استفاده کردند و بعد از آن هم قدرت آن ها اضافه شد و به مقابله جدی تر با آقای خاتمی که منتخب مردم بود، پرداختند و امروز هم طلبکارانه از اینکه آقای خاتمی موفق نشده حرف می زنند وقصد ندارند که روزی فضایی باز کنند تا این مسائل مطرح شود. حتی در انتخابات هشتم ریاست جمهوری که چهار سال از ریاست جمهوری آقای خاتمی می گذشت و پایه های اقتدار محکم تر شده بود باز هم شاهد چنین مقاومت هایی بودیم که دستگیری ملی - مذهبی ها و شایعه اعدام سحابی از این جمله بود. روز سه شنبه هفته ای که قرار بود آقای خاتمی جمعه اش برای ثبت نام به وزارت کشور مراجعه کند؛ من با یکی از مقامات عالی رتبه قضایی مذاکره مفصلی داشتم تا دو سه روزمانه آقای خاتمی بتوانستند خبر حضور آقای خاتمی را درج کنند، توقیف نکنند. زیرا قصد توقیف آن ها را داشتند و این مذاکره تلخ برای این بود که توقیف را یک مرحله به عقب بیندازند. در واقع ما از همه ابزارهای قدرت استفاده کردیم و مذاکراتی از سوی من و آقایان کروبی و مسجد جامعی انجام شد که حداقل در روز ثبت نام آقای خاتمی آن چند روزنامه توقیف نشده باشد و به اطلاع مردم برساند که خاتمی رئیس جمهور دوباره کاندیدا شده است. بااین حال ،برخورد با روزنامه ها و حتی دروغ بستن و اهانت به شخص رئیس جمهور هیچ گاه از سوی آقای خاتمی پیگیری نشد. قبل از آقای خاتمی شاهد بودیم که عده ای از نویسندگان که صرفاًنامه ای به رئیس جمهور وقت نوشته بودند، چه بلایی به سرشان آمد؛ اما امروز به راحتی نقدها، توهین، دروغ، فحاشی و اهانت به رئیس جمهور عنوان می شود و همه می دانند که بی خطرترین نوع اهانت، اهانت به خاتمی است.

*** خاتمی خود را فدا کرد تا جامعه قهرمان شود**

دو خواسته پارادوکسیکال از سوی مخالفان آقای خاتمی مطرح بود؛ اول اینکه چرا آقای خاتمی حرف هایش را نمی زند؟ دوم اینکه چرا با اقتدار عمل نمی کند؟ این پارادوکس بود. از سویی جریان های مقابل از رفتارهای کارشکنانه کوتاه نمی آمدند و نمونه روشن آن را در برخورد با لوایح دوگانه شاهد بودیم؛ در حالیکه استدلال های زیادی را برای لایحه اختیارات طرح کردیم و از سخنان آقای میرسلیم در زمان ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای که مجدداً این لایحه را به مجلس برده بود استدلال کردیم و بعد از همه استدلال ها و فضاسازی ها که حتی مستندترین جملات را از رهبری با هیأت نظارت بر قانون اساسی ارائه دادیم، جواب شورای نگهبان این بود که رئیس جمهور می تواند تذکر قانون اساسی به وزارتخانه ها بدهد آن هم وزارتخانه هایی که در قانون اساسی برای آن ها وظیفه مشخصی اعلام نشده است و این یک تفسیر تاریخی بود و شاهد بودیم که رئیس قوه قضاییه در مقابل تمام تذکرات آقای خاتمی رسماً مکاتبه کردند و گفتند که شما فقط می توانید در قوه مربوط به خودتان تذکر دهید و پیشنهاد درخواست برای تفسیر قانون اساسی را دادند که ما این کار را نکردیم چون تفسیری که شورای نگهبان پس از آن ارائه داد را پیش بینی می کردیم. قوه قضاییه رأساً اقدام به درخواست برای تفسیر کرد و این جواب را گرفت. مقاومت ساختاری در برابر آقای خاتمی وجود داشت و اگر دفتر اسناد رئیس جمهور روزی منتشر شود که چنین خواهد شد، حجم بلایی از مکاتبات مربوط به همین ظلم های سیاسی است که به افراد مختلف روا می شد و معمولاً با جواب سر بالا برمی گشت و اگر هر روز این موارد به مردم اعلام می شد، حتی از لحاظ ظاهری هم درست نبود که مردم شاهد باشند در مقابل خواسته های رئیس جمهوری که انتخاب کرده اند هر روز کسی می ایستد و به اوجواب سربالا می دهد. با این کار همین ذره ای امید مردم هم از بین می رفت. از سویی با این شرایط مواجه بودیم و از سویی می خواستیم اقتدار دولت را حفظ کنیم. از واقعیت تلخ دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی این بود که اگر عنوان می کرد آن طرف قصد کوتاه آمدن ندارد فشارها بیشتر می شد و توقع از گفتن ها، نیز شورش اجتماعی ایجاد می کرد که نه رئیس جمهور نظرش این بود و نه حتی به نفع جامعه بود؛ بنابراین می بایست همه را به درون خود بریزد و به لانگ شات جامعه ای فکر کند که به سمت اصلاحات نهادینه پیش می رود و با این تفکر باید خود را فدا می کرد تا جامعه قهرمان شود. بزرگ ترین ایثار تاریخی خاتمی را قربانی شدن خود برای قهرمان شدن جامعه است. در حالی که بسیاری چنین نکردند و سعی کردند خود قهرمان شوند نه جامعه و این کاملاً برای آقای خاتمی پیش بینی شده و انتخابی بود. حتی زمانی که برای ثبت نام دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری اش در وزارت کشور حاضر شد، با اشک عنوان کرد که آبروی خود را خواهد گذاشت و با این انتخاب وارد صحنه شد تا جامعه قهرمان شود.

*** رئیس دفتر سابق خاتمی، معاون سابق حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری**

سنت شکنی در تشریفات رئیس جمهور

خاطراتی از آموزگار بزرگ ادب و شکیبایی

گفت وگو با مجید رویین تن

«خاتمی را خوب می شناسد» از اویل دهه ۶۰ همچنان به عنوان مشاور رئیس جمهور، در کنار او نظاره گر سپری شدن آخرین روزهای ریاست جمهوری اوست. مجید رویین تن قبل از حضور خاتمی در وزارت ارشاد در امور بین الملل این وزارتخانه حضور داشته، پس از آمدن او مدیرخانه فرهنگ پاکستان شد؛ مرحوم کیومرث صابری در پاکستان با کار او آشنا شده و با خاتمی صحبت کرده بود تا مدیر کل نهادهای فرهنگی در خارج از کشور شود، می گوید که بعد از استعفای خاتمی و آمدن تیم دیگر در وزارت ارشاد، با حفظ اصول در وزارت ارشاد مانده و هنگامی که خاتمی کاندیدای ریاست جمهوری می شود، او و نزدیکانش، همفکران خاتمی را در ساختمان «به آفرین» که بعدها ستاد انتخاباتی او شد گردهم آوردند و هسته اولیه ستاد نقش می گیرد. «جلسه ای در حسینیه جماران داشتیم و خاتمی در ناباوری اطرافیان پذیرفت که کاندیدا شود. نظر این بود که حتی اگر تعداد کمی رأی هم بیاورند یک جناح فکری می توانند رأی خود را به منصه ظهور برسانند.» بعد از انتخاب خاتمی با کمی تأخیر، در حوزه معاونت مراسم ارتباط نزدیک تری با خاتمی داشت، برنامه ها و سفرهای داخلی را برنامه ریزی می کرد و بسیار با او در ارتباط بود و از نزدیک ویژگی های اخلاقی خاتمی را در کسوت ریاست جمهوری لمس می کند.

خاتمی ممکن است هر راستی را نگوید ولی هرگز دروغ نمی گوید

رویین تن می گوید: آقای خاتمی عهد کرده بود که به مردم دروغ نگوید و هرگز هم دروغ نگفت و نمی گوید. ممکن بود که بنا به مصالح، همه راست ها را نگفته باشد ولی به عهدش وفا کرد و هیچ دروغی نگفت. وی ادامه می دهد: رئیس جمهور فرصت نمی دهد در حضورش از فرد سومی صحبت کرد، اگر احساس کنند که نفد فرد سوم وجود داشته باشد، راه را بر صحبت می بندد و این بر تمام اطرافیانش اثر مثبت اخلاقی گذاشت.

*** سنت شکنی در تشریفات رئیس جمهور**

معاونت سابق امور مراسم، تصریح می کند: خاتمی اولین کاری که کرد فرش قرمز را جمع کرد و نگذاشت زمان او برای رئیس جمهور فرش قرمز پهن کنند. او همچنین مراسم و رژه را در سفرهای استانی برداشت ولی در سفرهای خارج از کشور به خاطر عرف پذیرفته شده بین المللی ناچار بود. وی سنت شکنی در تشریفات را از دیگر اقدامات خاتمی عنوان می کند و ادامه می دهد: سفرهای داخلی آقای خاتمی بی پیرایه برگزار می شد، حتی هجوم و ناراحتی مردم در اثر ازدحام جمعیت او را عصبی می کرد. علت اقبال مردم از آقای خاتمی را در صداقتش می داند.

واقعیت ها از دید مردم پنهان نیست، هر چند که درباره عملکرد آقای خاتمی به خصوص از لحاظ اقتصادی سیاه نمایی شده و دولت ایشان مظلوم واقع شده و رسانه ها آن طور که باید و شاید به دستاوردها نپرداختند اما اقبال مردم نسبت به آقای خاتمی کم نبود و همچنان از حالا که پایان دوره است شاهد استقبال های خوبی در سفرها هستیم. در سفرها به خاطر هجوم جمعیت، تیم حفاظت رئیس جمهور مجبور بودند سخت گیری کنند و گاه مردم ناراحت می شدند و گلایه های خود را به رئیس جمهور منعکس می کردند و این بیش از هر چیزی او را عصبی می کرد و همیشه تأکید داشت که مردم حداقل ممنوعیت را داشته باشند. در شهر بافت، استقبال مردمی از رئیس جمهور به حدی بود که مردم پاتول حامل رئیس جمهور که به دلیل ضد گلوله بودن سنگین تر از حد معمول بود را بلند کردند و چرخ های اتومبیل چند تنی از روی زمین بلند شد و چون به دلیل ازدحام جمعیت تیم خبری از رئیس جمهور جا مانده بودند دوربینی نبود که از این صحنه عکس یا فیلم گرفته شود.

*** اگر مسائل امنیتی اجازه می داد خاتمی حاضر نبود در قالب های امنیتی رئیس جمهور بماند**

مشاور رئیس جمهور می گوید: اگر مسائل امنیتی اجازه می داد، رئیس جمهور حاضر نبود در قالب های امنیتی رئیس جمهور بماند. گاه قالب های امنیتی او را عصبانی می کرد و محافظانش را کنار می زد. اگر مکانیزمی وجود داشت که می توانستند امنیت را به طریق نامحسوس داشته باشند به میان مردم می رفت و چنانچه هر جا که می شد این را هم می کرد. در استادیوم آزادی اولین برنامه شوراها، بدون پیش بینی ما به میان مردم آمد.

روحیه آقای خاتمی اساساً روحیه دیالوگ و گفت وگو است.

*** مقید به شنیدن حرف مردم**

این مشاور رئیس جمهور با بیان اینکه «نجابت رفتار خاتمی از حد رئیس جمهور بالاتر است» ادامه می دهد، در سفرها بسیار مقید بود که قبل از او فرماندار و نماینده مجلس و... سخن بگویند و صحبت های آنان را بشنود. همچنین نسبت به توجه به خواست مردم و رعایت حال آنها بسیار مقید بود، در این حدود ۸ سال ریاست جمهوری کشور موردی بود که به ایشان درخواست مکتوب و شفاهی داده شده و رئیس جمهور دستور پیگیری نداده باشد و به هر حال در خواست ها پیگیری شده و حرف مردم شنیده شده است.

*** سعه صدر حتی در مقابل توهین ها**

رویین تن یادآوری می کند: گاه در هنگام سخنرانی آقای خاتمی یک نفر بلند می شد و توهینی نا حق به ایشان می کرد؛ ما به عنوان همراهان ایشان عصبانی می شدیم اما ایشان با سعه صدر همان موقع پاسخ نمی دادند ولی مثلاً در سخنرانی بسیار منطقی پاسخ می گفتند.

در روز صنعت یک نفر از صنعتگران بلند شد و به خاتمی گفت: چه نشسته اید که دختران ما را در دبی حراج می کنند، این حرف از پایه بی اساس بود و سخنران مورد استهزای دیگران قرار گرفت و آقای خاتمی بسیار ناراحت شد اما در سخنرانی خود بسیار ملایم گفتند که سیاه نمایی نکنید.

سربازی قصد ترور ایشان را داشت که موفق نشد اما ایشان او را بخشیدند. بسیاری از موارد مدعی العموم به نفع خاتمی به میدان می آمد اما او از حق خود می گذشت و اینها در تاریخ خواهد ماند.

*** سیاه نمایی بیش از هر چیز او را عصبانی می کرد**

رویین تن به مواردی که خاتمی را عصبانی دیده فکر می کند و بعد از لحظه ای می گوید: آقای خاتمی را زیاد عصبانی ندیده ام و اگر عصبانیتی بود به خاطر نگرانی هایی بوده که مردم در دیدارهایی که با آنها داشت ابراز می کردند و مثلاً تیم حفاظت از نزدیک شدن مردم به او ممانعت می کردند و یا کسی به او گلایه می کرد که به خاطر دیدن او آزار دیده است.

سیاه نمایی بیش از هر چیزی او را ناراحت و عصبانی می کرد. مثلاً در تریبون عمومی مثل مجلس یا نمازجمعه بعضاً انتقادهای ناحقی از عملکرد ایشان می شد و در واقع سیاه نمایی صورت می گرفت. درحالی که عملکرد اقتصادی آقای خاتمی بسیار قابل دفاع است و در کشوری که با بحران آب مواجه است، بهره برداری از ۵۰ سد جدید کار بزرگی است. دراصلاحات بسیار موفق عمل کرد و اکنون شاهدیم که شرایط فرهنگی، اجتماعی حتی سیاسی بسیار بازتر از گذشته است. دوران ایشان است. ادبیات سخنرانی های خاتمی مربوط به خود است و چیزی به او دیکته نمی شود. او ادبیت خوبی است و کتاب هایی که نوشته دلیلی بر این امر است.

*** خاتمی تأکید بر اجرای قانون اساسی دارد**

وی در ادامه با تأکید بر اینکه خاتمی بر اجرای قانون اساسی مصر است، می گوید: اگر در جایی احساس می کرد که قانون اساسی لوث شده است برخورد می کرد. در مورد انتخابات مجلس هفتم تلاش بسیاری به همراه آقای کروبی کرد که میزان رد صلاحیت ها به حداقل برسد. اما شورای نگهبان نپذیرفت و حتی شاهد بودیم که شورای نگهبان در آن زمان به حرف مقام معظم رهبری هم توجهی نکرد. ولی چون دولت بر اساس قانون اساسی وظیفه برگزاری انتخابات را دارد به برگزاری انتخابات پرداخت و در سخنرانی اخیر خود هم دستگاه اجرایی انتخابات را به برگزاری انتخابات سالم تشویق کرد. مشاور رئیس جمهور می گوید: به راحتی نمی توانیم جایگزینی برای آقای خاتمی پیدا کنیم. همین الآن هم از جمله تنها کسانی که به جرأت می توان گفت می تواند بیش از ۶۰ درصد رأی مردم را جلب کند خاتمی است.

او در پایان تأکید می کند: آقای خاتمی اگر در این هشت سال روشی غیر از آنچه اعلام و اعمال کرد، این هشت سال به سامان نمی رسید، تمام سختی ها را به جان خرید و نگذاشت کشور به آشوب و بحران کشیده شود و معتقد بود اگر رئیس جمهور بخواهد در داخل نقش اپوزیسیون را بازی کند کشور با بحران مواجه می شود. در مواردی که در حوزه اختیاراتش بود قوی عمل کرد و در جایی که باید تذکر قانون اساسی می داد، این کار را کرد.

گزارش و گفت وگو مریم آریایی - ایسنا

دانشجویان نقش اپوزیسیون را ایفا می کردند، تمام انتقادها و توهین ها را به جان می خرد، پاسخ منطقی می دهد و هرگز پیگیری نمی کند و این نشان دهنده آستانه تحمل پذیری آقای خاتمی است حتی در کشورهای غربی هم چنین نیست و بالاخره توهین به رئیس دولت در یک جایی پیگیری می شود و همین مشی آقای خاتمی آستانه انتقادپذیری را بالا برد. در یک دوره، یکی از مسؤولان مورد مؤاخذه خبرنگاری قرار گرفت و مسؤول به او گفت با این حرف به من اتهام زدی و به عنوان یک مسؤول قضایی می توانم بدهم محاکمه ات کنند، اما رفتار خاتمی نشان داد سؤال خبرنگار اتهام نیست. آقای خاتمی حتی در مواردی که به او توهین و انتقاد می شد هم پاسخ منطقی می داد یا اصلاً پاسخ نمی داد.

*** مشورت و نظرخواهی از ویژگی های بارز خاتمی**

رویین تن یکی از ویژگی های شخصیتی خاتمی را مشورت و نظرخواهی و در نهایت جمع بندی نظرات برای اتخاذ تصمیم عنوان می کند و ادامه می دهد: به خصوص برای سخنرانی هایش ساعت ها وقت می گذاشت و مشورت می کرد و بعد با ذکر آمار و اطلاعات دقیق عنوان شده است. ادبیات سخنرانی های خاتمی مربوط به خود است و چیزی به او دیکته نمی شود. او ادبیت خوبی است و کتاب هایی که نوشته دلیلی بر این امر است.

ویژه نامه پایان دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی